

جایگاه ایندو- پاسیفیک در استراتژی جدید بریتانیا (۲۰۱۵-۲۰۲۲)

مهدی امیری *

مهرشاد غفاری زاده

احسان فلاحی

چکیده

۱۰۳ ایندو- پاسیفیک به کانونی برجسته در رقابت قدرت های بزرگ تبدیل شده است. لندن نیز سندی تحت عنوان «بررسی یکپارچه» منتشر کرده است که مهمترین هدف آن بازسازی وجهه بریتانیا به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان و تثبیت جایگاه امنیتی و اقتصادی این کشور در ایندو- پاسیفیک است. لذا در سند مذکور از لفظ «بریتانیای جهانی» استفاده شده است. به عبارت دیگر بریتانیا با هدف تثبیت هویت در حال تحول خود به عنوان یک قدرت بزرگ اروپایی و بازیگر بین‌المللی به سوی ایندو- پاسیفیک خیز برداشته است. از این رو سؤال است که منطقه ایندو- پاسیفیک چه جایگاهی در استراتژی جدید بریتانیا دارد؟ و دلایل خیز بریتانیا به سوی این منطقه چیست؟ با استمداد از نظریه برنارد کوهن تحت عنوان «ژئوپلیتیک نظام جهانی» استدلال شده است که با ظهور چین و مواضع روسیه به عنوان بازیگران تجدیدنظرطلب روند حاکم بر نظام بین‌الملل تغییر کرده و ایندو- پاسیفیک تبدیل به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ شده است. لذا با تغییر روند حاکم بر نظام بین‌الملل توجه لندن نیز به این منطقه جلب شده است. بریتانیا قصد دارد که تبدیل به یک کنش‌گر فعال در منطقه مذکور شود تا بدین وسیله نقش برجسته خود در نظام بین‌الملل در حال گذار را حفظ نماید. از مهمترین دلایل خیز بریتانیا به سوی ایندو- پاسیفیک می‌توان به پیامدهای اقتصادی برگزیت، تغییر رویکرد بریتانیا نسبت به چین، اولویت دادن به روابط نزدیک بریتانیا و آمریکا، اهداف امنیتی- نظامی و همچنین تقویت روابط دوجانبه با قدرت‌های منطقه‌ای مانند هند اشاره کرد.

واژگان کلیدی: بریتانیای جهانی، سیاست خارجی، ایندو- پاسیفیک، ژئوپلیتیک نظام جهانی

۱. استادیار دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* m.amiri@mrc.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و هفت، صص ۱۳۳-۱۰۳

مقدمه

اهمیت منطقه ایندو- پاسیفیک در تعاملات جهانی به ویژه از منظر اقتصادی و امنیتی به طور روز افزون در حال افزایش است. به همین جهت قدرت‌های بزرگ نفوذ و حضور در ایندو- پاسیفیک را به عنوان بخشی از برنامه‌های راهبردی خود تعریف کرده‌اند. از سوی دیگر کشورهای این منطقه نیز سعی دارند که از راهبرد قدرت‌های فرامنطقه‌ای در راستای منافع خود بهره‌برداری کنند. اگرچه اولویت استراتژیک کشورهای ساکن در این منطقه با یکدیگر متفاوت است اما وجه اشتراک اکثر آن‌ها مخالفت با شکل‌گیری هژمونی منطقه‌ای چین است. در همین راستا اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا^۱ (شامل ده عضو اصلی) در سال ۲۰۱۹ «چشم‌انداز آسه‌آن در ایندو-پاسیفیک» را با هدف حفظ «مرکزیت» این اتحادیه در امور منطقه‌ای اعلام کرد. وزیر خارجه بریتانیا نیز اخیراً در سپتامبر ۲۰۲۲ بیان کرده است که این کشور «مرکزیت آسه‌آن در منطقه و سهم اساسی آن در صلح، رفاه و امنیت [در ایندو- پاسیفیک] را به رسمیت می‌شناسد.» (Cleverly, 2022). در همین حال برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله کشورهای اروپایی و آمریکا نیز اسناد استراتژیک و سیاستی را منتشر و رویکرد خود را به طور مشخص در قبال این منطقه تشریح کرده‌اند. به عنوان مثال فرانسه که دارای قلمروهای فراسرزمینی در ایندو-پاسیفیک است این روند را در سال ۲۰۱۸ شروع کرد. همچنین آلمان و هلند در سال ۲۰۲۰ در همین مسیر گام نهادند. آمریکا نیز در استراتژی امنیت ملی (۲۰۱۷) و استراتژی دفاع ملی (۲۰۱۸) به «بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ» اشاره می‌کند. در اسناد مذکور به تهدید قدرت‌های تجدید نظرطلب بر علیه امنیت و رفاه آمریکا اشاره شده است. در این میان چین، به عنوان یک رقیب اقتصادی، فنی و سیاسی و روسیه به عنوان یک قدرت نظامی مطرح شده است. حال آن که با توجه به عواملی همچون مجاوت جغرافیایی چین و روسیه به منطقه ایندو-پاسیفیک، تراکم کشورها، جمعیت فراوان منطقه^۲، وجود آبراه‌های استراتژیک مانند تنگه مالاگا و سوندا و همچنین حضور اقتصادهای بزرگ مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی این واقعیت پذیرفته شده است که

^۱ Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

^۲ ایندو-پاسیفیک متنوع‌ترین و پرجمعیت‌ترین منطقه جهان است. این ناحیه ۳۶ کشور قاره‌ای، شبه‌جزیره‌ای و مجمع‌الجزایری را شامل می‌شود که بیش از ۳ میلیارد نفر جمعیت را در خود جای داده است.

مرکز ثقل موازنه قدرت جهانی در حال انتقال از یورو-آتلانتیک به ایندو-پاسیفیک است. افزون بر عوامل فوق منطقه ایندو- پاسیفیک سهمی حدوداً برابر با دو سوم در رشد اقتصاد جهانی دارد. علاوه بر این ۶۰ درصد تجارت دریایی جهان از طریق ایندو- پاسیفیک انجام می‌شود. لذا امنیت در ایندو-پاسیفیک پیش‌نیازی برای رونق تجارت جهانی نیز محسوب می‌شود، مطابق نقشه ۲ مهم‌ترین ورودی‌های دریایی (باب‌المنندب و تنگه مالاکا^۱) در اطراف این منطقه واقع شده‌اند.

لذا بریتانیا نیز به فکر گسترش نفوذ خود در این ناحیه استراتژیک است. حال آن که با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، محافل سیاسی این کشور حضور در ایندو-پاسیفیک را فرصتی مغتنم برای توسعه روابط امنیتی - اقتصادی خود با سایر نقاط استراتژیک در جهان می‌دانند. در همین چارچوب بریتانیا از طریق مشارکت با منطقه ایندو- پاسیفیک درصدد احیای مجدد جایگاه خود به عنوان «بریتانیای جهانی» است. اصطلاح «بریتانیای جهانی» پس از برگزیت به طور مکرر در محافل سیاسی این کشور بدون این که اهداف و اولویت‌های آن تعیین گردد تکرار می‌شود. تا این‌که در سال ۲۰۲۱ در قالب سند «بررسی یکپارچه» به شکل مدون مطرح شد.

از بُعد سیاست خارجی بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا، به دنبال تغییر جهت‌گیری استراتژیک خود از اروپا به مناطق دیگر جهان بوده است. در این میان ایندو-پاسیفیک به عنوان زمین بازی جدیدی شناخته شده است که بریتانیا قصد دارد بخشی قابل توجهی از وزن استراتژیک خود را در آینده نظام بین‌الملل بر آن استوار سازد. با عنایت به نکات فوق اهمیت و ضرورت بررسی رویکرد بریتانیا در منطقه ایندو- پاسیفیک بر کسی پوشیده نیست. بدین منظور مقاله حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که ایندو-پاسیفیک چه جایگاهی در استراتژی جدید بریتانیا دارد؟ و بریتانیا چه دلایلی برای خیز به سوی این منطقه دارد؟ در پاسخ استدلال شده است که با توجه به ظهور چین و روسیه تجدیدنظرطلب، روند حاکم بر نظام بین‌الملل تغییر کرده و صحنه اصلی رقابت میان قدرت‌های بزرگ در آینده نزدیک به منطقه ایندو-پاسیفیک منتقل خواهد شد. بریتانیا نیز متناسب با تغییر روند حاکم بر نظام بین‌الملل استراتژی خود را

۱۰۵

پژوهش‌های بین‌الملل
روابط بین‌الملل

جایگاه ایندو-
پاسیفیک در
استراتژی جدید
بریتانیا (۲۰۱۵-
۲۰۲۲)

¹ Bal al Mandeb and the Malacca Strait

در این منطقه تغییر داده و تلاش دارد که در سطح منطقه نقشی فعال و مستقل ایفا نماید. برای تشریح این دیدگاه ابتدا چارچوبی مفهومی از منطقه ایندو- پاسفیک با استفاده از «ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی» ارائه خواهد شد و سپس با توجه به افزایش اهمیت ایندو- پاسفیک در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا به عنوان متحد بریتانیا به طور مختصر بررسی می‌شود در پایان نیز رویکرد بریتانیا و دلایل خیز آن به سوی ایندو- پاسفیک بررسی شده است.

۱. چارچوب مفهومی: ایندو- پاسفیک در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی

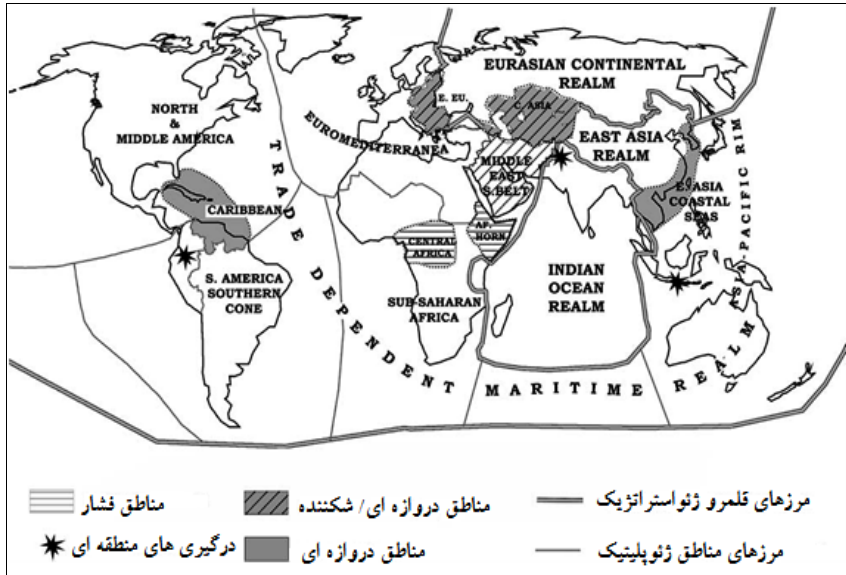
در میان تحلیل‌گران حوزه سیاست خارجی در مورد دامنه جغرافیایی منطقه ایندو- پاسفیک اجماع نظر وجود ندارد. از این رو برای فهم ماهیت این منطقه و پویایی‌های که در بستر آن شکل می‌گیرد؛ ارائه یک چارچوب مفهومی ضروری به نظر می‌رسد است. بدین منظور مفهوم ایندو- پاسفیک در پژوهش حاضر در قالب یک نگرش ژئوپلیتیکی مبتنی بر «ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی» مفصل‌بندی شده است. منظور از «ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی» آرایش و نظم ژئوپلیتیکی حاکم بر جهان است که علاوه بر چینش اجزا در کنار یکدیگر، حوزه‌های نفوذ و الگوی توزیع قدرت در قالب موزائیک جغرافیایی جهان را نیز تبیین می‌کند. اکثر ژئوپلیسین‌های کلاسیک موزائیک جغرافیایی جهان و به عبارت دیگر «ساختار ژئوپلیتیکی جهان» را به صورت یکپارچه در نظر گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به «دولت‌های بزرگ» راتزل، «جزیره جهانی» مکیندر، «کلان منطقه‌گرایی» هاوسهوفر، «ریملند» اسپایکمن، «قدرت دریایی» ماهان و «منطقه تصمیم» دوسورسکی اشاره کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۴۰).

اما نظریه‌پردازان معاصر فضاهاى ژئوپلیتیکی را نه به صورت کاملاً یکپارچه بلکه به صورت مجزا اما به شکلی پازل مانند یعنی در ارتباط با یکدیگر تشریح کرده‌اند. برای روشن‌تر شدن بحث می‌توان به نظریه باری بوزان به عنوان یکی از اندیشمندان شناخته شده‌تر در رشته روابط بین‌الملل اشاره کرد. وی منطقی مشابه با ژئوپلیسین‌ها معاصر دارد و در قالب نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» سطحی از استقلال را برای پویایی‌های امنیتی در نواحی مختلف جهان قائل است. در همین چارچوب «سوئل برنارد کوهن» جغرافیدان معاصر آمریکایی نیز پیش‌فرض نظری خود را بر مبنای از هم‌گسیختگی و

چندپارچگی فضای ژئواستراتژیک جهانی بنا ساخته است. کوهن در نظریه خود با عنوان «ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی» در قالب یک تمثیل بیان می‌کند که ژئوپلیتیک جهانی همچون یک تکه شیشه یکپارچه نیست؛ بلکه مانند یک الماس است که در امتداد زوایای آن مرزهای ژئوپلیتیکی متنوعی تکوین می‌یابد. کوهن الماس ژئوپلیتیکی مد نظر خود را در قالب نقشه زیر به تصویر کشیده است. با توجه به نقشه ۱ سیستم ژئوپلیتیک جهانی متشکل از اجزایی پیچیده و در هم تنیده است که شامل چهار جزء به شرح نمودار ۱ است.

۱۰۷

نقشه ۱: ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهانی



(کوهن به نقل از اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸)

نمودار ۱: ساختار ژئوپلیتیک جهانی از دید کوهن



منبع: (کوهن: ۱۳۸۷: ۸۴-۹۹)

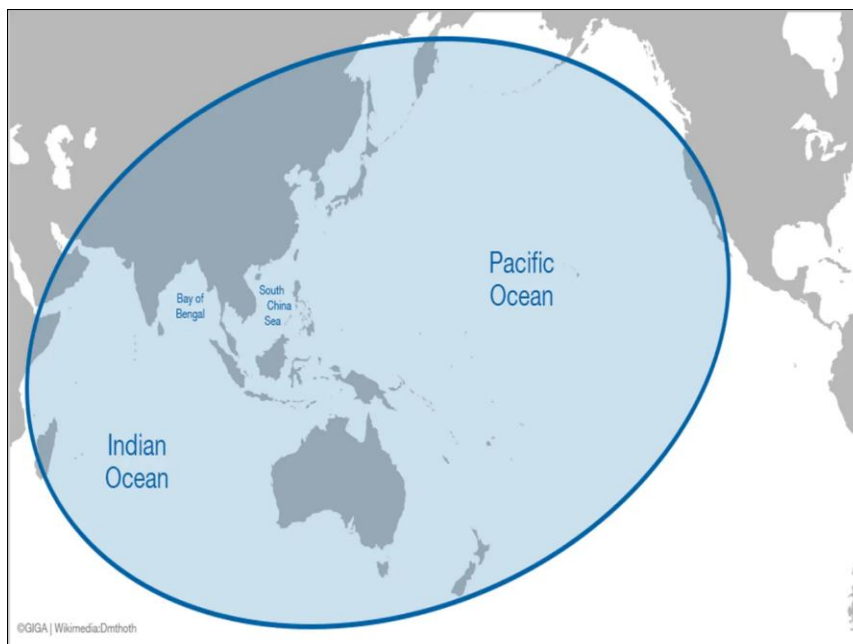
چنان که در نمودار فوق مشاهده می‌شود؛ نوعی سلسله مراتب میان چهار سطح مطرح شده توسط کوهن وجود دارد. با توجه به اهمیت و نقش آفرینی حوزه‌های ژئواستراتژیک در فضای جغرافیای جهانی بازیگران قدرتمند ترجیح می‌دهند که سطح بالاتر یعنی همان حوزه‌های ژئواستراتژیک را برای کنش‌گری انتخاب کنند. با این وجود نوعی تعامل میان سطوح مختلف نیز وجود دارد که باعث شکل‌گیری ساخت‌های تعاملی در فضای ژئوپلیتیک جهانی می‌شود. از طریق این ساخت‌های تعاملی کالا، خدمات، انسان، پول، پیام، دانش، ارزش‌ها، عقاید و ابزارها مبادله می‌شوند. در عین حال ساخت ژئوپلیتیک جهانی ماهیت گسترشی و نفوذی نیز دارد به این معنا که قدرت‌های بزرگ تلاش دارند که بر فضای جغرافیای جهانی در سطوح مختلف غلبه پیدا کنند. این امر در گذشته بیشتر

با استفاده از ابزار نظامی و اشغالگری انجام می‌شد اما در جهان معاصر حضو و نفوذ قدرت‌های بزرگ با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مختلف از سرمایه و کالا و خدمات گرفته تا تسلیحات و تاسیسات و تکنولوژی و فرهنگ و حمل‌ونقل صورت می‌پذیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹۸-۲۰۲). بنابراین ساخت ژئوپلیتیک جهان کنونی در عین حال که سلسه مراتبی است دارای ماهیت تعاملی و گسترشی (نفوذ) نیز هست. با توجه به این عناصر سه گانه (سلسله مراتبی بودن، تعاملی بودن و گسترشی بودن) حوزه ایندو-پاسفیک به عنوان یک قلمرو ژئواستراتژیک تبدیل به یکی از مهم‌ترین فضاهاى رقابت میان قدرت‌های بزرگ شده است.

در سلسله مراتب «سیستم ژئوپلیتیک جهانی» بالاترین سطح «حوزه ژئواستراتژیک» است. این حوزه‌ها بخش‌هایی از جهان هستند که برای تاثیرگذاری در سطح جهانی به اندازه کافی بزرگ بوده و برای تأمین نیاز ژئواستراتژیک کشورها بسیار مهم هستند. کوهن حوزه‌های استراتژیک را به سه قلمرو بری، بحری و قاره‌ای- دریایی تقسیم می‌کند. قلمرو استراتژیک دریایی بر مبنای تجارت و حمل و نقل دریایی شکل گرفته و ماهیتی برون‌گرایانه دارد. این قلمرو از مناطق ژئوپلیتیکی خردتری به شرح زیر تشکیل شده است: اروپا (غربی، جنوبی و مرکزی)، آمریکای شمالی (حوزه نفتا)، آمریکای جنوبی، حوزه کارائیب، حوزه آسیای ساحلی (ژاپن، استرالیا، کره و ...)، آفریقای جنوب صحرا. قلمرو استراتژیک بری شامل اوراسیا (چین و روسیه) است که با نام روسیه هارتلندی نیز شناخته می‌شود. فقدان دسترسی دریایی به منابع جهانی، ماهیت خودکفایی اقتصادی و ورود دیر هنگام به عصر صنعتی منجر به شکل‌گیری نظام‌های سیاسی بسته و ماهیت درون‌گرایانه در قلمرو بری شده است. این قلمرو در سطح منطقه ژئوپلیتیکی شامل دو ناحیه هارتلند (روسیه) و شرق آسیا (چین و مغولستان) است. مطابق نقشه ۱ بخش‌های ساحلی شرق آسیا شامل سواحل چین، ویتنام، کامبوج، تایلند و میانمار جز مناطق دروازه‌ای محسوب می‌شوند که مطابق نمودار فوق در سطح سوم ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی قرار می‌گیرند. نکته قابل ذکر این است که قلمروهای دریایی به واسطه سواحل گسترده و دسترسی به آب‌های آزاد و عدم وجود موانع جغرافیایی از سهولت ارتباط با سایر مناطق جهان سود می‌برند. در چنین بستری مهاجرت افزایش یافته و

موجب تنوع نژادی، فرهنگی و زبانی در منطقه می‌شود. این مناطق همچنین فرآیند تخصصی شدن اقتصاد را با سرعت بیشتری طی می‌کنند. با عنایت به توضیحات فوق منطقه ایندو- پاسفیک یک حوزه ژئواستراتژیک قاره‌ای- دریایی است که شامل مناطق ژئوپلیتیک آسیای ساحلی، خلیج فارس، آفریقای جنوب صحرا (شاخ آفریقا)، نواحی ساحلی آمریکای شمالی در مجاورت اقیانوس آرام و بخش‌های مهمی از چین و قسمت‌هایی از سواحل روسیه در شرق دور است. این منطقه در نقشه زیر به تصویر درآمده است. با ارجاع به نقشه ۱ این منطقه در دل خود نواحی دروازه‌ای و مناطق فشار را جای داده است

نقشه ۲: منطقه ایندو- پاسفیک



Source: (GIGA, 2022)

۲. رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا در ایندو- پاسفیک

ارتقاء اهمیت منطقه ایندو- پاسفیک در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به صورت مجزا رخ نداده بلکه مبتنی بر یک روند جهانی فراگیر بوده است. در چنین بستری توجه

بریتانیا نیز به این منطقه جلب شده است. از این رو درک صحیح راهبرد بریتانیا در ایندو-پاسفیک با نیم‌نگاهی به رویکرد اتحادیه اروپا و آمریکا در این منطقه بهتر نمایان خواهد شد. اعضای اتحادیه اروپا روابط دوجانبه سطح بالایی با کشورهای منطقه ایندو-پاسفیک دارند. روی هم رفته اعضای این اتحادیه ۴۰ برنامه مشارکت استراتژیک و حدود ۶۰ برنامه دیالوگ دوجانبه با کشورها منطقه برقرار کرده‌اند. علاوه بر این اعضای مهم اتحادیه اروپا مانند فرانسه و آلمان دارای گفتگوهای منظم دفاعی-امنیتی با کشورهایی مانند استرالیا، هند، اندونزی، ژاپن، سنگاپور، کره جنوبی و حتی چین هستند (Brattberg and Le Corre, 2019: 10) همچنین اتحادیه اروپا به شکل چندجانبه با مجمع کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) در ارتباط است. اتحادیه اروپا و آسه‌آن از سال ۱۹۷۷ در سطح «شریک گفتگو»^۱ با یکدیگر تعامل داشته‌اند که از سال ۲۰۲۰ به سطح «شراکت راهبردی»^۲ ارتقا یافته است (EEAS, 2021).

در همین راستا اسناد رسمی اتحادیه اروپا نیز بر ارتقا اهمیت ایندو-پاسفیک صحنه گذاشته است. به عنوان مثال در سند سیاست خارجی و امنیتی اروپا تحت عنوان «چشم‌انداز مشترک، اقدام مشترک: یک اروپای قوی‌تر»^۳ در سال ۲۰۱۶ آمده است که تنش در آسیا در حال افزایش است. این در حالی است که ثبات و امنیت در آسیا پیشیناز رفاه در اروپا است اروپایی‌ها در این سند توصیه‌های زیر را در ارتباط با ایندو-پاسفیک مطرح کرده‌اند: تعمیق دیپلماسی اقتصادی و ارتقا نقش امنیتی، گسترش مشارکت با ژاپن، کره جنوبی و اندونزی، پیگیری سیاست عدم اشاعه هسته‌ای در شبه جزیره کره، آزادی دریانوردی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دریایی، گذار دموکراتیک در برخی کشورها از جمله میانمار (EU, 2016: 73-74).

از سوی دیگر اهمیت منطقه ایندو-پاسفیک برای آمریکا به حدی است که کاخ سفید در سندی تحت عنوان «راهبرد ایالات متحده در ایندو-پاسفیک»^۴ آمریکا را صراحتاً به عنوان یک قدرت ایندو-پاسفیکی معرفی کرده است. سخنان جو بایدن در نشست سران کواد علت این دیدگاه را به خوبی نشان می‌دهد وی بیان داشته بود که «سرنوشت هریک

¹ Dialogue Partner

² Strategic Partner

³ Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe

⁴ Indo-Pacific Strategy of The United States

از ملت‌های ما و در واقع کل جهان به پویایی و شکوفایی ایندو- پاسفیک آزاد و باز در دهه‌های پیش‌رو بستگی دارد.» (Biden, 2021) این سند راهبرد ایالات متحده را در منطقه تحت عنوان «ایندو- پاسفیک آزاد و باز»^۱ معرفی می‌کند بر اساس این راهبرد واشنگتن خود را متعهد به حمایت از ارتباطات منطقه‌ای، تجارت و سرمایه‌گذاری، تعمیق مشارکت دو جانبه و چندجانبه و همچنین امنیت و رفاه در ایندو- پاسفیک می‌داند. واشنگتن همچنین درصدد ایجاد کنسولگری‌ها و سفارت‌خانه‌های جدید در کشورهای این منطقه است. به لحاظ نظامی نیز به گسترش حضور و همکاری گارد ساحلی آمریکا به منظور مشاوره، آموزش استقرار و ظرفیت‌سازی در جزایر ایندو- پاسفیک تاکید شده است. حمایت از رهبری منطقه‌ای هند و شکل دادن رابطه استراتژیک یا این کشور از دیگر سیاست‌های واشنگتن در منطقه است. تقویت کواد^۲ به عنوان یک گروه منطقه‌ای برتر و همچنین گسترش روابط با ژاپن از دیگر اولویت‌های آمریکا در ایندو- پاسفیک است (The White House, 2022: 14-17)

۳. روند استراتژیک بریتانیا در ایندو- پاسفیک

ایندو- پاسفیک اولین بار در تاریخ مدرن بریتانیا به عنوان یک بستر ژئوپلیتیکی در اواسط دهه ۱۹۶۰ مورد بحث قرار گرفت. در سال ۱۹۶۵، وزارت دفاع بریتانیا یک استراتژی اختصاصی برای منطقه ایندو- پاسفیک منتشر کرد (Patalano, 2021: 17). این استراتژی بر حفظ توازن قوا در برابر آنچه که ظهور چین در آینده پیش‌بینی می‌شد متمرکز بود. با این حال، با خروج بریتانیا از شرق سوئز^۳ در سال ۱۹۶۸ و ترک پایگاه‌های نظامی خود در سنگاپور و مالزی این استراتژی لغو شد. در واقع بریتانیا به مرور زمان به دلیل ضعف اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم و ظهور اتحاد جماهیر شوروی به سمت امنیت اروپای غربی با محوریت ائتلاف ناتو به رهبری آمریکا تغییر استراتژی داد و منطقه ایندو- پاسفیک توسط دولت‌های بعدی بریتانیا در حاشیه قرار گرفت. در دهه اول قرن بیست‌ویکم، بریتانیا مانند بسیاری از دولت‌های غربی دیگر به

^۱ Free and Open Indo-Pacific (FOIP)

^۲ Quadrilateral Security Dialogue

^۳ مستعمرات بریتانیا که در جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه و اقیانوس آرام قرار داشتند به عنوان شرق سوئز معروف بودند.

ایجاد روابط اقتصادی نزدیکتر با اقتصادهای نوظهور منطقه ایندو- پاسیفیک تمایل یافت. نقطه عطف برای ایجاد این روابط به بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و به دنبال آن سیاست ریاضت اقتصادی بریتانیا برمی‌گردد که این رویدادها بریتانیا را به سرمایه‌گذاری در اقتصادهای نوظهور شرق آسیا و تلاش برای احیای مجدد اقتصاد خود سوق داد (Pant & Milford: 2021: 6). در آن زمان این درک وجود داشت که مرکز ثقل اقتصادی در حال تغییر به سمت شرق است. در واقع، بحران مالی ۲۰۰۸ نقطه‌ای بود که ارزش تجارت بریتانیا با کشورهای غیراتحادیه اروپا از صادرات این کشور به اتحادیه اروپا پیشی گرفت. از سوی دیگر سیاست ریاضت اقتصادی منجر به تثبیت روابط اقتصادی بریتانیا و چین شد. در این برهه لندن اجازه دسترسی شرکت‌های دولتی چین به زیرساخت‌های ملی حیاتی بریتانیا را صادر کند. تمایل بریتانیا برای ارتباط بیشتر با چین و کشورهای شرق آسیا با سخنرانی سال ۲۰۱۵ وزیر دارایی وقت بریتانیا جرج آزیرن در بورس اوراق بهادار شانگهای در چین تجلی یافت که طی آن او تمایل خود را برای «ایجاد یک دهه طلایی روابط بریتانیا و چین» اعلام کرد (Bromund, 2022: 3).

برای بررسی نگاه امنیتی بریتانیا به منطقه باید به دهه ۲۰۱۰ برگشت. زیرا استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۰ اولین بررسی امنیتی بریتانیا است. این استراتژی منعکس‌کننده تجربه امنیتی این کشور در دهه اول قرن بیست و یکم است که با اولویت‌بندی تهدیدات مختلف از جمله تروریسم بین‌المللی، خطرات ناشی از کشورهای شکست‌خورده و شکننده، و درس‌هایی از جنگ در عراق و افغانستان چشم‌انداز دهه آینده را بر مبنای ارتباط متقابل امنیت بین‌المللی و امنیت داخلی با ظهور مجدد رقابت قدرت‌های بزرگ در طول دهه ۲۰۱۰ آشکارتر شد. قدرت‌های بزرگ این رقابت را عمدتاً از طریق فعالیت‌های منطقه خاکستری (گسترش اطلاعات نادرست، انجام حملات سایبری، شرکت در براندازی و غیره) انجام می‌دهند که کمتر از آستانه درگیری نظامی است (Watkins and Jessett CBE, 2021: 2-3).

ارزیابی استراتژی امنیت ملی در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که تهدیدات پیش‌روی بریتانیا، از جمله سرزمین‌های خارج از کشور و منافع خارج از آن، از سال ۲۰۱۰ به بعد در مقیاس، تنوع و پیچیدگی افزایش یافته است. در استراتژی امنیت ملی بریتانیا در سال

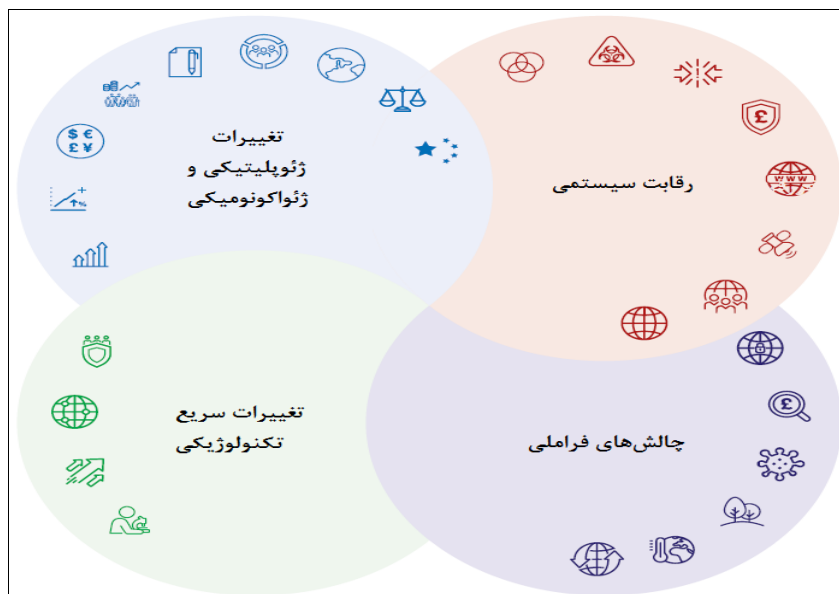
۲۰۱۵ سه تهدید روسیه، داعش و سایبری برجسته شده است. اگرچه در بررسی سال ۲۰۱۵ به اهمیت آسیا-اقیانوسیه اشاره شده است اما ذیل بخش «متحدان، شرکا و تعامل جهانی» قرار گرفته و تنها پس از بخش‌هایی در مورد اروپا، کشورهای مشترک المنافع، اتحاد پنج چشم، خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین کشورهای جنوب صحرای آفریقا قرار گرفته است. در این استراتژی به «فرصت‌های اقتصادی قابل توجه» در منطقه ایندو-پاسفیک و همچنین «تأثیر قابل توجه آن بر یکپارچگی و اعتبار نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» در آینده اشاره شده است اما همچنان در اولویت امنیت ملی بریتانیا قرار ندارد؛ همچنین در ۲۰۱۵، لندن در تلاش بود تا جریان سرمایه‌گذاری چینی را تقویت کند و در عین حال سعی در تقویت سیستم بین‌المللی مبتنی بر قوانین داشت (Hemming, 2021: 2) با این حال جهان پس از بررسی دفاعی و امنیتی استراتژیک ۲۰۱۵ به طور قابل توجهی تغییر کرده است و به تبع آن جایگاه بریتانیا نیز تغییر کرده است. خروج از اتحادیه اروپا فرصتی منحصر به فرد برای بازنگری در بسیاری از جنبه‌های سیاست داخلی و خارجی بریتانیا با تکیه بر اتحادیه‌های موجود و همچنین نگاهی دورتر فراهم کرده است.

دولت بریتانیا معمولاً اسناد استراتژی جدید را هر پنج سال یکبار منتشر می‌کند، سه دلیل وجود دارد که اسناد جدید اهمیت ویژه‌ای دارند: اول اینکه بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک کرده است، در حالی که آخرین اسناد راهبردی قبل از برگزیت، در سال ۲۰۱۵ منتشر شد و رهنمود چندانی نداشت. دوم، رقابت قدرت‌های بزرگ و در درجه اول آمریکا و چین - روسیه در حال افزایش است. سوم، جهان به ویژه در حوزه فناوری به سرعت در حال تغییر است (Aronsson, 2021: 1) سند استراتژیک جدید بریتانیا یعنی «بریتانیای جهانی در عصر رقابتی: بررسی یکپارچه امنیت، دفاع، توسعه و سیاست خارجی»^۱ به اختصار «بررسی یکپارچه» منبع اصلی تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله است. یکی از اهداف اصلی این سند تنظیم مجدد روابط دفاعی و اقتصادی بریتانیا است. سند مذکور نشان‌دهنده تغییر از رویه قبلی مبتنی بر انتشار بررسی‌های جداگانه و خاص در مورد هر موضوع است. این سند بیان جامعی از امنیت ملی و سیاست بین‌المللی بریتانیا تا سال

¹ Global Britain in a Competitive Age: The Integrated Review of Security, Defence, Development and Foreign Policy

۲۰۲۵ است. به گفته بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا، این سند «بزرگ‌ترین بررسی سیاست خارجی، دفاعی، امنیتی و توسعه بریتانیا پس از پایان جنگ سرد» است (Johnson, 2020). در تائید سخن جانسون شایان ذکر است که سند بررسی یکپارچه در مقایسه با استراتژی امنیت ملی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵، در اهداف خود دقیق‌تر و گسترده‌تر است و شامل چند تغییر برجسته از جمله کاهش ۰.۷ درصدی هزینه‌های دولت برای کمک‌های بین‌المللی، افزایش غافلگیرکننده کلاهک برای سلاح‌های هسته‌ای، و ادغام وزارت توسعه بین‌المللی و امور خارجه و مشترک‌المنافع است. سند بررسی یکپارچه چهار هدف کلی را تعیین می‌کند: الف) حفظ مزیت استراتژیک از طریق علم و فناوری و گنجاندن آن به عنوان یک عنصر جدایی‌ناپذیر امنیت ملی و سیاست بین‌المللی بریتانیا. ب) شکل دادن به نظم آزاد بین‌المللی آینده و همکاری با متحدین برای تقویت مجدد نهادها، قوانین و هنجارهای بین‌المللی. ج) تقویت امنیت و دفاع در داخل و خارج از کشور و همکاری با متحدین. د) ایجاد انعطاف‌پذیری در داخل و خارج از کشور، بهبود توانایی برای پیش‌بینی، پیشگیری، آماده‌سازی و واکنش به خطرات مختلف از شرایط جوی شدید تا حملات سایبری.

نمودار ۲: عناصر چهارگانه استراتژی بررسی یکپارچه



Source: (HM House, 2021: 30)

استراتژی بررسی یکپارچه اهداف کلی امنیت ملی و سیاست بین‌المللی دولت بریتانیا را تا سال ۲۰۲۵ تعیین می‌کند. در این نوشتار بعد امنیتی بررسی یکپارچه مدنظر است.

۱-۳. خیز ایندو- پاسیفیک بریتانیا

سند بررسی یکپارچه حاکی از مهم‌ترین تغییر در چشم‌انداز استراتژیک بریتانیا از زمان پایان جنگ سرد یعنی «خیز» به سمت منطقه ایندو- پاسیفیک است که هدف از آن تبدیل شدن به «شریک اروپایی با گسترده‌ترین و یکپارچه‌ترین حضور در اقیانوس هند و اقیانوس آرام» است. در این سند از چین اقیانوس هند و اقیانوس آرام مجموعاً ۶۳ بار نام برده شده است. اعزام ناو هواپیمابر بریتانیا به منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام نماد اصلی توجه نوین بریتانیا به این منطقه است. در جدیدترین اظهار نظر مقامات بریتانیا در مورد ایندو- پاسیفیک جیمز کلورلی وزیر خارجه در سپتامبر ۲۰۲۲ در سنگاپور اعلام کرد که «ایندو- پاسیفیک از جایگاهی کانونی برای ما برخوردار است... این منطقه اهمیتی راهبردی برای اقتصاد ما، امنیت ما و آمال ما برای حمایت از جوامع باز دارد.» (Cleverly, 2022). همچنین بریتانیا در حال حاضر با نیوزیلند، استرالیا، سنگاپور، ویتنام، کره جنوبی و ژاپن موافقتنامه تجارت آزاد امضاء کرده است و با اندونزی و کره جنوبی نیز «موافقتنامه مشارکت دوجانبه»^۱ دارد.

نکته قابل توجه در مورد سند جامع بررسی یکپارچه این است که این سند استراتژیک، قدرت ملی را صرفاً از نظر زرادخانه نظامی تفسیر نمی‌کند بلکه پیشنهاد می‌کند که برای دستیابی به نفوذ در قرن بیست و یکم، یک ملت باید به یک «ابر قدرت علم و فناوری» تبدیل شود (von Busch & Palmås, 2021: 1-2). اما از نظر امنیتی منطقه یورو- آتلانتیک و اتحاد با ناتو همچنان در صدر اولویت‌های بریتانیا قرار گرفته است. در سند بررسی یکپارچه بیان شده است که «تعهد بریتانیا به امنیت اروپا صریح است» (HM House, 2021:4) با این حال در ادامه بیان می‌دارد که رفاه و امنیت آینده این کشور به طور فزاینده‌ای به تغییر و تحولات در منطقه ایندو- پاسیفیک بستگی خواهد داشت. در این سند منطقه ایندو- پاسیفیک به عنوان محل تلاقی روندهایی از جمله مرکز ثقل

¹ Bilateral Partnership Agreement

اقتصادی جهان، ظهور چین و فرصت‌ها و چالش‌های سیستمی ناشی از آن، تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ بین آمریکا و چین، تکه‌تکه‌شدن نظم بین‌المللی، افزایش ناامنی دریایی، تغییرات سریع تکنولوژی و تغییرات آب و هوایی معرفی شده است (Storey & Thi Ha, 2021: 1).

بر اساس این مولفه‌ها مفهومی تحت عنوان «خیز ایندو- پاسیفیک»^۱ به عنوان یکی از نکات محوری مطرح شده است که نقش مهمی در تحقق انگیزه‌های بریتانیای جهانی خواهد داشت. در این چارچوب بریتانیا با هدف «حضور پررنگ‌تر و پایدارتر از هر کشور اروپایی» تا سال ۲۰۳۰ «خیز» به سوی منطقه ایندو-پاسیفیک را اعلام کرده است. اصطلاح ایندو- پاسیفیک ۳۲ بار در متن سند تکرار شده است. دولت بریتانیا منطقه ایندو- پاسیفیک را به عنوان موتور رشد جهان و مرکز تشدید رقابت ژئوپلیتیکی با چندین نقطه اشتغال بالقوه توصیف کرده است. این نقاط اشتغال اختلافات ارضی حل‌نشده در دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تغییرات آب و هوایی و تهدیدات غیردولتی ناشی از تروریسم جرائم سازمان یافته است (Brooke-Holland, 2021: 1-2).

ایده اصلی مطرح شده در سند این است که نقطه اتکای قدرت اقتصادی و امنیتی جهانی به ایندو- پاسیفیک منتقل شده است و «بریتانیای جهانی» پس از برگزیت به بازارهای جهانی و روابط تقویت شده در این منطقه نیاز دارد. از این رو بریتانیا خواهان «تعامل عمیق‌تر» در ایندو- پاسیفیک است و «اهمیت قدرت‌های منطقه‌ای» مانند چین، هند و ژاپن با ویژگی‌ها و روابط متفاوت با بریتانیا به رسمیت شناخته می‌شوند (Pankaj, 2022: 1). از آمریکا نیز به عنوان مهمترین متحد استراتژیک در منطقه و از روسیه به عنوان حادثترین تهدید نام برده شده است. همچنین مدرن‌سازی نظامی چین و قاطعیت فزاینده بین‌المللی آن در منطقه یک خطر فزاینده برای منافع ملی بریتانیا ارزیابی شده است (Willasey-Wilsey, 2021: 62). بنابراین لندن برای حفظ و تقویت روابط دفاعی و اقتصادی خود با جهان به سوی منطقه ایندو- پاسیفیک خیز برداشته است. به طور مشخص راهبرد بریتانیا در مورد منطقه ایندو- پاسیفیک این گونه بیان شده است «ما در

^۱ Indo-Pacific tilt.

پی تعمیق روابط با منطقه ایندو- پاسفیک به منظور حمایت از رفاه مشترک و ثبات منطقه‌ای با پیوندهای تجاری و دیپلماتیک مستحکم‌تر هستیم. این رهیافت اهمیت قدرت‌های منطقه از جمله چین، هند، ژاپن و همچنین کره جنوبی، ویتنام، اندونزی، مالزی، تایلند، سنگاپور و فیلیپین را به رسمیت می‌شناسد. ما در پی روابط نزدیک‌تر با منطقه از طریق نهادهای موجود مانند آسه‌آن و الحاق به «توافقنامه جامع مشارکت ترنس پاسفیک^۱ خواهیم بود» (HM Government, 2021: 3). به طور کلی می‌توان گفت که هدف بریتانیا در منطقه ایندو- پاسفیک تثبیت حضور نظامی و اقتصادی ظرف یک دهه آینده است.

۴. دلایل خیز بریتانیا به سوی ایندو-پاسفیک

عوامل مختلفی مانند پیامدهای اقتصادی برگزیت، تغییر رویکرد بریتانیا نسبت به چین، روابط نزدیک بریتانیا و آمریکا و در اولویت قرار دادن این منطقه توسط آمریکا، اهداف امنیتی- نظامی و هم چنین تقویت روابط دوجانبه با قدرت‌های منطقه‌ای باعث تلاش بریتانیا برای اتخاذ یک استراتژی ایندو-پاسفیک شده‌اند.

۴-۱. پیامد اقتصادی برگزیت

پس از برگزیت، مشکل‌سازترین سطح روابط بریتانیا با اروپا حوزه اقتصاد بوده است. با اضافه شدن آسیب‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ به مشکلات اقتصادی، بریتانیا توسعه روابط اقتصادی با منطقه ایندو-پاسفیک را در اولویت قرار داده است. طی پانزده سال آینده ایندو-پاسفیک به خانه چهار اقتصاد از پنج اقتصاد بزرگ دنیا یعنی چین، هند، ژاپن و اندونزی از نظر برابری خرید تبدیل خواهد شود. همچنین ظهور چین به عنوان نخستین اقتصاد جهان تا یک دهه آینده برای چشم‌انداز اقتصادی بلندمدت بریتانیا اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (Brooke-Holland, 2021: 3). کشورهای ایندو- پاسفیک که در حال حاضر ۱۷ درصد از تجارت جهانی بریتانیا و ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشکیل می‌دهند، فرصت‌های قابل توجهی را با اقتصادهای در حال توسعه خود ارائه می‌دهند. با توجه به افزایش سهم منطقه ایندو- پاسفیک از تولید ناخالص داخلی جهانی از ۸.۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۵ درصد در

¹ Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership

سال ۲۰۲۰، تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل دهد. شایان ذکر است که بیش از ۹۰ درصد تجارت بین‌المللی از طریق کشتی انجام می‌شود و حدود ۱۲ درصد تجارت دریایی بریتانیا از طریق دریای جنوبی چین انجام می‌شود. منطقی است که بریتانیا به عنوان یک کشور دریایی که رونق آن متکی بر تجارت است، باید به این محیط امنیتی توجه زیادی داشته باشد (Umio, 2021: 1). در واقع بریتانیا به دنبال تعمیق تعامل در ایندو-پاسیفیک از طریق پیوستن به پیمان مشارکت جامع و پیشرو ترنس پاسیفیک و تبدیل شدن به یک شریک گفتگوی آسه آن است (Roy-Chaudhury, 2021: 1). نقش جدید بریتانیا به عنوان شریک گفتگوی آسه آن که یک بلوک تجاری متشکل از ده عضو با مجموع تولید ناخالص داخلی ۲.۸ تریلیون دلار است نقطه عطف مهمی در «خیز» ایندو-پاسیفیک محسوب می‌شود (Vandermeersch, 2021: 7). این نقش جدید به روابط بین بریتانیا و آسه آن رسمیت می‌بخشد و بریتانیا را قادر می‌سازد در جلسات وزرای امور خارجه و اقتصاد اتحادیه آسه آن شرکت کند. به نوبه خود این گفتگو فرصت‌های ارزشمندی را برای بریتانیا فراهم می‌کند تا با بازیگران کلیدی در منطقه ارتباط برقرار کند، پیوندهای تجاری را تقویت کند و همکاری در چالش‌های جهانی را تسهیل کند. این پیشرفت به ویژه با توجه به اینکه این اولین بار است که آسه آن یک مشارکت را در ۲۵ سال گذشته رسمی می‌کند بسیار مهم است، که نشانه مثبتی برای استقبال از افزایش نقش بریتانیا در منطقه به ویژه به لحاظ اقتصادی است (Manila, 2021: 2).

همچنین بریتانیا برای الحاق به پیمان مشارکت جامع و پیشرو ترنس پاسیفیک درخواست داده است و مذاکرات رسمی برای الحاق را در سال ۲۰۲۱ آغاز کرد. این پیمان تجاری که در مجموع حدود ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد و ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص می‌دهد، شامل برخی از پویاترین اقتصادهای منطقه ایندو-پاسیفیک است که به طور گسترده به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی جهان در آینده در نظر گرفته می‌شوند. در حال حاضر ۱۱ کشور عضو تنها ۸ درصد از صادرات بریتانیا را به خود اختصاص می‌دهند، اما الحاق به این مشارکت به صنعت بریتانیا امکان دسترسی بیشتر به بازارهای در حال رشد منطقه و فرصت‌های جدید برای

گسترش زنجیره تأمین جهانی خود را می‌دهد. دلیل دیگر تمایل بریتانیا برای عضویت در پیمان مذکور این است که لندن می‌خواهد نقش برجسته‌ای در تدوین قوانین تجارت بین‌المللی ایفا کند. اکنون که سازمان تجارت جهانی به‌عنوان یک نهاد قانون‌گذار ناکارآمد شده است، انتظار می‌رود که پیمان مشارکت جامع و پیشرو ترنس- پاسیفیک به‌عنوان یک توافق‌نامه تجارت آزاد چندجانبه با استانداردهای بالا به‌عنوان یک اتحادیه بزرگ برای مذاکره در مورد قوانین تجاری ظاهر شود. علی‌رغم خروج بریتانیا در سال ۱۹۷۱ از شرق سوئز ارتباطات قابل توجهی با اقیانوس آرام، از جمله جزایر پیتکرن^۱، یک قلمرو ماوراء دریای بریتانیا حفظ کرده است. اعضای پیمان مشارکت جامع و پیشرو ترنس- پاسیفیک (استرالیا، برونئی، کانادا، مالزی، نیوزلند و سنگاپور) همگی عضو کشورهای مشترک‌المنافع هستند (Noburn, 2021: 1-2). بنابراین پیوستن به این پیمان، بریتانیا را در قلب گروهی پویا از کشورها قرار می‌دهد؛ زیرا اقتصاد جهان به‌طور فزاینده‌ای بر منطقه ایندو- پاسیفیک متمرکز است و تخمین زده می‌شود که این الحاق می‌تواند تولید ناخالص داخلی بریتانیا را ۲۰ میلیارد پوند در سال افزایش دهد؛ تعرفه‌ها را تا ۹۹ درصد از صادرات بریتانیا به کشورهای داخل پیمان کاهش دهد و بریتانیا را قادر سازد بر استانداردها و مقررات صنایع و تجارت نوظهور تأثیر بگذارد (Khan & 10: 2021).

۲-۴. تغییر رویکرد بریتانیا نسبت به چین

روابط بریتانیا و چین پیچیده و چند وجهی است. ارقام رسمی نشان می‌دهد که چین برای اولین بار در تاریخ به‌عنوان بزرگترین بازار وارداتی بریتانیا جایگزین آلمان شده است. طبق اعلام دفتر آمار ملی، واردات کالا از چین به بریتانیا از ابتدای سال ۲۰۱۸ با ۶۶ درصد افزایش به ۱۶.۹ میلیارد پوند رسیده است. واردات از آلمان در مدت مشابه یک چهارم کاهش یافت و به ۱۲.۵ میلیارد پوند رسید. با این حال، روابط دوجانبه بین چین و بریتانیا از آغاز سال ۲۰۲۰ تغییر کرده است (Partington, 2021: 2). حتی زمانی که

۱ جزایر پیتکرن نام گروهی تشکیل شده از چهار جزیره آتشفشانی در جنوب اقیانوس آرام است. این چهار جزیره عبارت‌اند از پیتکرن، هندرسون، دوسی و اونو. این جزایر آخرین سرزمین فرادریایی بریتانیا در اقیانوس آرام را تشکیل می‌دهند.

بریتانیا سرمایه‌گذاری‌های چین را تحت عنوان آنچه دیوید کامرون دوران طلایی روابط دوجانبه توصیف می‌کرد بریتانیا در عین حال چین را به‌ویژه در دریای چین جنوبی به‌عنوان یک تهدید به رسمیت می‌شناخت. از آنجایی که بریتانیا به دنبال ارتقای جایگاه جهانی خود است، دسترسی بدون مانع از طریق دریای چین جنوبی به کلید امنیت اقتصادی این کشور تبدیل شده است. به طور واضح، بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰، توازن در استراتژی بریتانیا نسبت به چین از منافع اقتصادی به منافع امنیتی - حداقل در سطح دیپلماتیک - تغییر کرد. در سال ۲۰۱۹، کمیته روابط خارجی صریحاً بیان کرد «از آنجایی که سیاست خارجی چین بر اساس منافع قاطعانه حزب کمونیست چین شکل می‌گیرد، باید یک تجدیدنظر در استراتژی بریتانیا نسبت به روابط با چین انجام شود و اصطلاح دوران طلایی را نامناسب دانست». از نظر این کمیته خطر «اولویت دادن ملاحظات اقتصادی بر امنیت ملی» وجود دارد و سیاست بریتانیا در مورد چین باید «از طریق یک فرآیند بین‌دولتی به رهبری وزارت امور خارجه تدوین شود» (Leoni, 2022: 4-5). در واقع ارزیابی مجدد «دوران طلایی» روابط بریتانیا با چین در سال ۲۰۲۱ به دلیل درک این موضوع صورت گرفته که روابط اقتصادی دیگر نمی‌تواند به طور دقیق از منافع امنیتی گسترده‌تر بریتانیا جدا باشد. از نظر مقامات دولتی اگر بریتانیا به ظهور چین پاسخ ندهند، نمی‌توان این کشور را بازیگری جدی در صحنه جهانی دانست.

به همین منظور سند بررسی یکپارچه بیان می‌دارد که چین «بزرگ‌ترین تهدید دولتی برای امنیت اقتصادی بریتانیا» است و همچنین مدرنیزاسیون نظامی و قاطعیت آن منافع بریتانیا در ایندو- پاسیفیک را تهدید می‌کند (HM Government, 2021: 29; 62-63). در واقع بریتانیا چین را به‌عنوان یک دولت اقتدارگرا به رسمیت می‌شناسد و هشدار می‌دهد که افزایش قدرت و قاطعیت بین‌المللی آن مهمترین عامل ژئوپلیتیکی در جهان امروز است. با این حال بررسی یکپارچه بیان می‌دارد که اگرچه چین یک چالش سیستمی برای امنیت، رفاه و ارزش‌های بریتانیا است اما در عین حال روشن می‌کند که به دنبال تعامل با چین در سطوح مختلف از جمله تجارت اقتصادی و همکاری در زمینه تغییرات آب و هوایی است. در حالی که سیاست‌ها در مورد موضوعات مهم مربوط به هنگ‌کنگ و سین‌کیانگ متفاوت است و تنش‌هایی ایجاد می‌کند اما این دو کشور با

چالش‌های مهم جهانی مانند تغییرات آب و هوا، بهداشت جهانی، کاهش فقر و بهبود اقتصادی پس از کووید-۱۹ همگرا می‌شوند. به نظر می‌رسد رویکرد بریتانیا در قبال چین این چنین است «همکاری در صورت امکان و مقابله در صورت لزوم» (Roy-Chaudhury, 2021: 3). می‌توان گفت در دوران پس از برگزیت، تغییری در سیاست بریتانیا در مورد چین رخ داده است که عمدتاً ناشی از رویدادهای بین‌المللی است که در میان آنها اهمیت روزافزون منطقه ایندو-پاسیفیک برجسته است. با این حال این تغییر چندان رادیکال نبوده و جدای از تنش‌های دیپلماتیک و امنیتی، روابط اقتصادی بین بریتانیا و چین - که هر دو کشور بیشتر به آن اهمیت می‌دهند - همچنان با قوت ادامه خواهد داشت.

۳-۴. روابط نزدیک بریتانیا با آمریکا

در سند بررسی یکپارچه بریتانیا روابط دوجانبه خود را با آمریکا به عنوان مهمترین متحد و شریک استراتژیک تعریف کرده است و بریتانیا این روابط دوجانبه را سنگ بنای نظم و ثبات بین‌المللی می‌داند (Patalano, 2021: 50). در واقع بررسی یکپارچه بر بازیابی روابط آمریکا و بریتانیا تأکید می‌کند و به نظر می‌رسد این بازیابی با «چرخش» آسیایی در سال ۲۰۱۱ دولت اوباما و سند وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۹ پیوند دارد. این دو کشور برای مدت طولانی از طریق اتحادیه‌های چندجانبه مختلف مانند ناتو، آکوس^۱، پنج چشم^۲ با یکدیگر اتحاد نزدیک داشته‌اند. در سال ۲۰۲۲ بریتانیا و آمریکا رایزنی‌هایی سطح بالا در مورد منطقه ایندو-پاسیفیک برگزار کردند. بر اساس بیانیه مشترک نمایندگان لندن و واشنگتن هر دو دولت مصمم به گسترش و تعمیق همسویی و همکاری روابط خود در منطقه از طریق همکاری‌های نظامی، تعامل اقتصادی، برنامه‌های ابتکارات زیست محیطی^۳ تا فناوری‌های نوظهور در منطقه هستند. به ویژه اینکه هر دو کشور بیان کرده‌اند که برای رویارویی با چالش رقابت سیستماتیک با چین آماده می‌شوند (whitehouse, 2022). واضح است که خیز بریتانیا به سوی ایندو-پاسیفیک تحت تأثیر آمریکا با ابتکار این کشور برای ایجاد یک «ایندو-پاسیفیک آزاد و باز» بوده

^۱ آکوس یک پیمان امنیتی سه جانبه بین استرالیا، ایالات متحده و بریتانیا است.

^۲ اتحادیه‌ای اطلاعاتی انگلوسفر شامل پنج کشور نیوزیلند، آمریکا، استرالیا، بریتانیا و کانادا است.

^۳ The Clean Green Initiatives

است. اما این به معنای کاهش اهمیت حوزه آتلانتیک نیست بریتانیا به دلیل موقعیت و تاریخ خود، همیشه بر اهمیت منطقه وسیع تر اقیانوس اطلس شمالی به ویژه روابط خود با آمریکا تأکید خواهد کرد.

۴-۴. دفاعی-امنیتی

رکن اصلی دیگر حضور مجدد دولت بریتانیا در ایندو- پاسیفیک، تمرکز بر دفاع و امنیت است. دولت بریتانیا می‌خواهد حضور نظامی- امنیتی خود را در ایندو- پاسیفیک عمدتاً از طریق استقرار دریایی، تمرینات و مشارکت‌های مختلف افزایش دهد. در واقع می‌توان گفت بریتانیا در جستجوی نقش جهانی جدید خود پس از پنجاه سال در حال بازگشت به شرق سوئز است. در سال ۲۰۱۸، بریتانیا یک پایگاه دریایی در بحرین ایجاد کرد که اولین پایگاه در ۴۰ سال اخیر است. برنامه‌های امنیتی بریتانیا شامل تضمین حضور نیروی دریایی سلطنتی در ایندو- پاسیفیک از طریق شش مکان عمان، قطر، کنیا، دیگوگارسیا، سنگاپور و بروئی است. مشهودترین تلاش بریتانیا برای افزایش ردپای نظامی خود استقرار بزرگترین ناوگان دریایی خود در اقیانوس آرام است. هدف از این استقرار نشان دادن توانایی‌ها و قابلیت‌های همکاری بریتانیا برای پاسخ دادن به هرگونه تهدید از طریق انجام تعاملات متحدان و شرکای خود در منطقه است. استقرار ناو هواپیمابر CSG-21 در ایندو- پاسیفیک نشان‌دهنده تعهد بریتانیا به گسترش تعامل دفاعی خود در منطقه است (Mathur, 2022: 5)

از نظر ساختاری، یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در تحقق «خیز» ایندو- پاسیفیک بریتانیا ایجاد پیمان امنیتی سه‌جانبه (آکوس) بین بریتانیا، آمریکا و استرالیا بوده است. توافقنامه دفاعی و امنیتی مقرراتی را برای آمریکا و بریتانیا برای کمک به استرالیا برای دستیابی به زیردریایی‌های هسته‌ای ارائه می‌کند و شامل تعهداتی برای همکاری در زمینه «قابلیت‌های سایبری، هوش مصنوعی، فناوری‌های کوانتومی» است (Morrison, 2021: 5). بریتانیا همچنین به دنبال تعمیق مشارکت‌های دفاعی دوجانبه خود در ایندو- پاسیفیک خارج از پیمان آکوس به ویژه با ژاپن است زیرا توکیو به تدریج در حال بازسنجی منابع دفاعی خود است. در سپتامبر ۲۰۲۱، دو کشور مذاکرات رسمی را برای

توافقنامه دسترسی متقابل ژاپن و بریتانیا برای بهبود عملیات مشترک بین دو کشور آغاز کردند. ژاپن یکی از «نزدیک‌ترین شرکای استراتژیک» بریتانیا در منطقه ایندو-پاسفیک محسوب می‌شود و بریتانیا با پیگیری ایده «بریتانیای جهانی» به دنبال بهبود روابط با ژاپن است. در زمینه همکاری امنیتی دو کشور جلسات منظم وزرای «۲+۲» را برگزار می‌کنند که در آن وزرای امور خارجه و دفاع دو کشور برای تبادل اطلاعات و توسعه و مسائل امنیتی تشکیل جلسه می‌دهند. اجرای سه اصل در مورد انتقال تجهیزات و فناوری دفاعی در سال ۲۰۱۴ به ژاپن این امکان را داد تا از طریق همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی با شرکای خود در ارتقاء امنیت بین‌المللی نقش فعالی‌تری داشته باشد. در این زمینه ژاپن و بریتانیا در فوریه سال ۲۰۲۲ توافقنامه‌ای را برای مشارکت دفاعی و فنی امضا کردند. دو کشور به طور مشترک فناوری حس‌گر را برای هواپیماهای جنگی آینده برای پروژه‌های جنگنده نسل بعدی خود توسعه دادند (Ayumi, 2022: 3).

۵. اهمیت هند و خلیج فارس در خیز ایندو- پاسفیک بریتانیا

شبه جزیره هند و خلیج فارس دو ناحیه بسیار مهم در راهبرد ایندو- پاسفیک بریتانیا محسوب می‌شوند. هند نه تنها به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی و دسترسی به دریاها بلکه از منظر توانایی‌های رو به رشد اقتصادی تبدیل به یکی از ستون‌های اصلی در راهبرد ایندو- پاسفیک بریتانیا شده است. هدف رسمی اعلام شده بریتانیا در مورد روابط با هند تغییر همکاری دوجانبه طی ده سال آینده در طیف کاملی از منافع مشترک دوجانبه است. سند «بررسی یکپارچه» روابط بریتانیا و هند را در چارچوب خیز ایندو- پاسفیک بریتانیا قرار می‌دهد و توجه ویژه‌ای به این رابطه نشان می‌دهد. در سند «بررسی یکپارچه» هند با دو موضوع مجزا مواجه است. یکی نقش دوجانبه هند در برآوردن هدف ملی بریتانیا برای یافتن بازارها و متحدان جدید در پی خروج برگزیت و دیگری همسویی و اتحاد مجدد چندجانبه قدرت جهانی و جایگاه هند و بریتانیا در مقابله با تهدید چین است (Willasey-Wilsey, 2021: 5). در گزارشی که سال ۲۰۱۹ توسط کمیسیون روابط خارجی مجلس عوام انگلستان منتشر شد به طور مکرر به جایگاه رو به رشد هند در جهان اشاره شده است. در این گزارش آمده است که لندن علی‌رغم پیوندهای قوی که

در حوزه سرمایه‌گذاری، آموزش و فرهنگ با دهلی‌نو دارد؛ نتوانسته است که روابط دوجانبه را با این کشور در حد قابلیت‌های موجود ارتقا دهد. از سوی دیگر در گزارش مذکور تاکید شده است که با توجه به افزایش وزن استراتژیک منطقه ایندو-پاسفیک در معادلات جهانی روابط با هند اهمیت دو چندانی برای سایر کشورها به ویژه بریتانیا یافته است (House of Commons, 2019: 6).

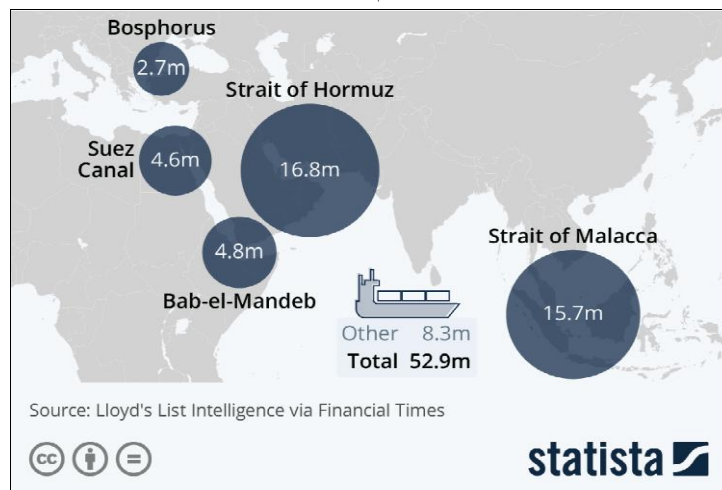
در همین راستا از منظر لندن، هند شریک قابل اعتمادی برای تأمین امنیت منطقه ایندو-پاسفیک به ویژه از بُعد تجارت دریایی است. این اعتماد بدان دلیل است که هند به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان ارزش‌های مشترکی با بریتانیا دارد. علاوه بر این هند و بریتانیا پیوندهای فرهنگی مستحکمی نیز با یکدیگر دارند. به طوری که یک‌ونیم میلیون بریتانیای دارای ریشه‌های هندی هستند (HM House, 2021: 62).

شایان ذکر است که بریتانیا اولین کشور اروپایی است که با هند موافقتنامه مشارکت جامع استراتژیک امضا کرده است. این موافقتنامه نقشه راه میان دو طرف را تا سال ۲۰۳۰ ترسیم می‌کند. همچنین هند نقش یک قدرت موازنه‌گر را در مقابل اقدامات چین در منطقه ایندو-پاسفیک ایفا می‌کند. در واقع بریتانیا درصدد است با تقویت جایگاه هند نوعی موازنه فراساحلی در اقیانوس هند ایجاد نماید. تا بدین وسیله تهدید دریانوردی ناشی از افزایش قدرت نظامی چین را در اقیانوس هند کنترل کند. به لحاظ اقتصادی نیز روابط تجاری هند و بریتانیا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ تقریباً دو برابر شده است. شایان ذکر است که در سال ۲۰۲۱ میزان تولید ناخالص داخلی هند و بریتانیا به یکدیگر نزدیک شده و به رقمی حدودی ۳/۲ تریلیون دلار رسیده است که این موضوع جایگاه هند را به عنوان یک شریک اقتصادی هم‌رده برای بریتانیا در ایندو-پاسفیک برجسته کرده است. در عین حال مجاورت جغرافیای هند به خلیج فارس به عنوان شاهراه انرژی جهان پیوستگی این دو منطقه را در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی نشان می‌دهد.

با توجه به حضور اقتصادهای توسعه‌یافته مانند ژاپن، استرالیا و کره جنوبی در منطقه ایندو-پاسفیک و همچنین اقتصادهای نوظهور مانند هند و چین عرضه با ثبات انرژی در منطقه اهمیت بسیار بالایی دارد. حال آن که حجم انرژی عبوری از تنگه هرمز موقعیت راهبردی خلیج فارس را در بستر ایندو-پاسفیک دو چندان کرده است. سه

تنگه مهم که بر اساس نقشه ۲ می‌توان آن‌ها را در ذیل منطقه ایندو- پاسفیک قرار دارد شامل: تنگه باب المندب، خلیج فارس و تنگه مالاکا است. با توجه به اطلاعات مندرج در اینفوگرافیک زیر روزانه ۱۶/۸ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند. لذا تأمین امنیت این منطقه برای حفظ ثبات اقتصادی شرکای بریتانیا در منطقه ایندو- پاسفیک بسیار حائز اهمیت است. به همین منظور بریتانیا در سال ۲۰۱۸ یک پایگاه نظامی دریایی در بحرین تأسیس و ایجاد یک پایگاه دیگر در عمان در دستور کار دارد.

نقشه ۳: تنگه‌های مهم به لحاظ امنیت انرژی

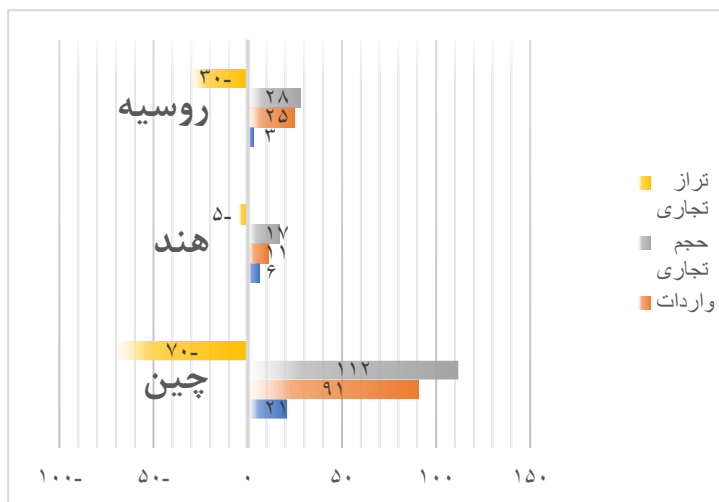


Source: (statista, 2018)

۶. چین و روسیه چالش بریتانیا در خیز ایندو- پاسفیک

علی‌رغم این که هندوستان جایگاه بسیار برجسته‌ای در استراتژی ایندو- پاسفیک بریتانیا دارد اما روابط تجاری دو کشور در مقایسه با روابط تجاری بریتانیا با روسیه و چین بسیار محدودتر است. مطابق نمودار زیر حجم روابط تجاری بریتانیا با روسیه و چین به ترتیب حدود یک‌ونیم برابر و هفت برابر رابطه با هند است.

جدول ۱: تراز تجاری بریتانیا با چین و روسیه (به میلیارد دلار)



Source: (UN, 2022)

علاوه بر حجم روابط تجاری برنامه‌های زیرساختی چین در جهان و به طور خاص در ایندو- پاسفیک برای بریتانیا بسیار حائز اهمیت است. با این وجود لندن نگران چالش‌های پیش‌رو است زیرا توسعه روابط با چین ممکن است که به نادیده گرفتن جایگاه هند در منطقه ایندو- پاسفیک و باعث نارضایتی هندوستان شود. زیرا از یک‌سو پروژه‌های بنیادین چین برای بریتانیا بسیار مهم است و از سوی دیگر هندوستان به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان ارزش‌های مشترکی با بریتانیا دارد. با این وجود چنان که در متن سند بررسی یکپارچه آمده است لندن چین را به عنوان یک دولت اقتدارگرا می‌شناسد که چالش‌هایی جدی بر سر راه «بریتانیای جهانی» به ویژه در منطقه ایندو- پاسفیک ایجاد خواهد کرد. در همین راستا در متن سند «بررسی یکپارچه» آمده است که «جایگاه بین‌المللی رو به رشد چین مهم‌ترین مسئله ژئوپلیتیکی در جهان امروز است که تأثیرات عمده‌ای بر ارزش‌ها و منافع بریتانیا و همچنین ساختار و نظم بین‌المللی دارد. این واقعیت که چین دولتی اقتدارگرا همراه با ارزش‌هایی متفاوت با ما [بریتانیا] است چالش‌هایی را برای بریتانیا و متحدانش ایجاد خواهد کرد. چین در یک دهه آینده بیش از هر کشور دیگری به رشد اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد و منافع برای اقتصاد جهانی خواهد داشت. با این وجود هم چین و هم بریتانیا از تجارت و سرمایه‌گذاری

دوجانبه سود خواهند برد، در عین حال چین بزرگترین تهدید دولت-محور^۱ برای امنیت و اقتصاد بریتانیا نیز هست.» (HM Government, 2021: 62) چنان که از فحوای متن برمی‌آید چین به عنوان یک دولت متخاصم معرفی شده است در عین حال لندن با نگاهی واقع‌بینانه چین را به عنوان قدرتی بزرگ و تاثیرگذار پذیرفته است و خود را ملزم به همکاری با آن به ویژه در وجوه اقتصادی می‌داند (Parton, 2022).

بر همین اساس از زمان روی کار آمدن بوریس جانسون در سال ۲۰۱۹ بریتانیا به طور پیوسته درگیر مخالفت علنی با چین شده است. دلیل چنین رویکردی این نیست که نخست‌وزیر بریتانیا، چین ستیز است؛ اتفاقاً جانسون خود را یک «سینوفیل» معرفی کرده است. مخالفت‌های اخیر با چین بازتاب این دیدگاه در متن سند است که ظهور چین را «تنها مسئله ژئوپلتیکی جهان امروز» می‌داند (Bromund, 2022: 3). یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها که منافع بریتانیا را در ایندو-پاسفیک تحت تأثیر قرار می‌دهد مساله آزادی دریانوردی در دریای جنوبی است که در پرتو تقویت توانایی‌های رزمی چین تشدید شده است. این امر مفهوم «اقیانوس انعطاف‌پذیر»^۲ را که بریتانیا در مورد ایندو-پاسفیک به کار برده است به چالش می‌کشد (Dixon, 2021).

منظور از انعطاف‌پذیری توانایی سازواری با تحولات جدید است که تهاجمی شدن رویکرد چین آن را خلدشه‌دار می‌کند. از سوی دیگر روسیه به عنوان یک رقیب سیستماتیک^۳ معرفی شده است که نظم موجود را در منطقه ایندو-پاسفیک برنمی‌تابد و درصدد تغییر آن به نظم مطلوب مورد نظر خویش است. از جمله موضوعات مهم در ایندو-پاسفیک که روسیه در آن دخیل است مسئله مجمع الجزایر کوریل است که محل اختلاف ژاپن و روسیه است. همچنین حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مسکو از کره شمالی باعث تداوم چالش هسته‌ای در شبه جزیره کره شده است و اوضاع امنیتی منطقه را بر خلاف خواست بریتانیا پرتنش و شکننده کرده است. افزون بر موارد فوق در سند «بررسی یکپارچه» آمده است که روسیه ارزش‌های دموکراتیک جوامع باز را به شکل سیستمی تهدید می‌کند همچنین در کنار روسیه از ایران و کره شمالی نیز به عنوان عوامل

¹ State-Based Threat

² Resilient Ocean

³ Systemic Competitor

زوال محیط امنیتی و تضعیف سیستم بین‌المللی یاد شده است (HM Government, 2021: 70) به طور کلی روسیه بیشتر یک تهدید ژئوپلیتیکی برای راهبرد بریتانیا در ایندو- پاسفیک محسوب می‌شود. تهاجمی شدن سند دکترین دریایی روسیه در سال ۲۰۲۲ و ارتقا جایگاه اقیانوس آرام در این سند تائیدی بر ادعای مذکور است (فلاحی و غفاری‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۸). درحالی که چین نه تنها تهدیدی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی محسوب می‌شود بلکه یک رقیب اقتصادی جدی برای بریتانیا در کشورهای منطقه ایندو- پاسفیک نیز به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

ایندو- پاسفیک یک فضای استراتژیک مورد مناقشه را به تصویر می‌کشد که تحت تأثیر مجموعه‌ای از پویایی‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و چالش‌های مشترک بدون مرز (کووید-۱۹، تغییرات آب و هوایی) است. آنچه در مدار این ثقل اقتصادی و استراتژیک رخ می‌دهد نه تنها برای خود کشورهای منطقه ایندو- پاسفیک، بلکه برای سایر بازیگران حائز اهمیت است. در حالی که روابط بین چین و آمریکا یک عامل اصلی در شکل‌دادن به محیط استراتژیک ایندو- پاسفیک خواهد بود و هریک تلاش دارند به نظم منطقه‌ای مورد نظر خود شکل دهند سایر کشورها و نهادهای منطقه‌ای نیز در حال ظهور و اعمال نفوذ هستند. تلاش بریتانیا در چارچوب ایده «بریتانیای جهانی» منجر به خیز به سوی ایندو- پاسفیک شده است. خیز ایندو- پاسفیک بریتانیا یکی از بارزترین نمادهای پویایی در «ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهان» است. زیرا بریتانیا به دنبال مذاکره مجدد درباره موقعیت خود در صحنه جهانی و تعمیق همکاری با شرکای قدیمی و جدید در این منطقه رقابتی است. حضور بریتانیا در منطقه مورد استقبال بسیاری از بازیگران ایندو- پاسفیک قرار گرفته است و اذعان دارند که تعهد پایدار این کشور به تجارت آزاد، آزادی دریانوردی و حفاظت از محیط‌زیست موجب تقویت معنادار طرفداران نظم منطقه‌ای آزاد می‌شود. با این حال به نظر می‌رسد هدف بریتانیا برای تبدیل شدن به شریک اروپایی با گسترده‌ترین و یکپارچه‌ترین حضور در منطقه طی ده سال آینده بلندپروازانه به نظر می‌رسد چرا که بریتانیا تا کنون تنها یک «چارچوب» برای «خیز» خود ترسیم کرده است و هنوز منطقه را از نظر جغرافیایی به طور دقیق تعریف

نکرده است. البته این مسئله مختص به بریتانیا نیست زیرا به طور کلی جماع نظر دقیقی بر سر منطقه ایندو پاسفیک وجود ندارد. تحولات جدید نشان می‌دهد که لیز تراس نخست وزیر جدید بریتانیا روسیه را همچنان حادثترین تهدید برای امنیت بریتانیا در نظر گرفته است ضمن این که بحران اوکراین به این موضوع دامن زده است و پیامدهای آن به منطقه ایندو- پاسفیک نیز کشیده شده است. همچنین طبق گزارش‌ها تراس قرار است چین را تهدیدی برای منافع بریتانیا به رسمیت بشناسد و در عین حال به دنبال روابط نزدیک‌تر با سایر کشورهای ایندو- پاسفیک مانند ژاپن، هند، استرالیا و کره جنوبی باشد. نخست‌وزیر جدید از طرفداران قوی دیدگاه «بریتانیا جهانی» است و زمانی که وزیرتجارت بین‌الملل و همچنین وزیر امور خارجه بود بر خیز ایندو- پاسفیک بریتانیا نظارت داشته است. تراس همچنین راه‌اندازی پیمان امنیتی آکوس با استرالیا و آمریکا را ترویج کرده و به دنبال تقویت همکاری با آسیای جنوب شرقی است. به هر حال خیز به سمت ایندو- پاسفیک وارد اسناد رسمی بریتانیا شده است و تغییر دولت‌ها در این کشور تأثیر چندانی بر رویکرد آتی لندن در قبال منطقه نخواهد داشت از این رو با استعفای تراس و روی کار آمدن ریشی سوناک رویکرد دولت‌های پیشین همچنان تداوم خواهد یافت. لذا در عمل تغییری در روند امنیتی و اقتصادی بریتانیا در ایندو- پاسفیک رخ نخواهد داد و راهبرد مبتنی بر سند بررسی یکپارچه همچنان ادامه خواهد یافت.

منابع

فلاحی، احسان و غفاری‌زاده، مهرشاد (۱۴۰۱). دکترین دریایی نوین روسیه ۲۰۲۲ با نگاهی به مناطق پیرامونی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Aronsson, A. (2021). *Global Britain: Navigating between Europe and the Indo-Pacific?*, Stockholm: Swedish Defence Research Agency, Available at: <https://www.foi.se/rest-api/report/FOI%20Memo%207710>, (Accessed on: 17 October 2022).

Biden, J. (2022), Remarks by President Biden, Prime Minister Morrison of Australia, and Prime Minister Johnson of the United Kingdom Announcing the Creation of AUKUS, *The white House*, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/09/15/remarks-by-president-biden-prime-minister-morrison-of-australia-and-prime-minister-johnson-of-the-united->

- [kingdom-announcing-the-creation-of-aukus](#). (Accessed on: 20 October 2022).
- Bisley, N. (2020). Book review of Rory Medcalf's Contest for the Indo-Pacific. *Australian Foreign Affairs*, 9, PP 127-130.
- Brattberg, E. and Le Corre, P. (2019). The Case for Transatlantic Cooperation in the Indo-Pacific, *Carnegie Endowment for International Peace*, Available at: <https://carnegieendowment.org/2019/12/18/case-for-transatlantic-cooperation-in-indo-pacific-pub-80632>, (Accessed on: 19 November 2022).
- Bromund, T. (2022). How the U.S. Can Support the U.K.'s Return to the Indo-Pacific Region. Washington, DC: The Heritage Foundation.
- Brooke-Holland, I. (2021). Integrated Review 2021: The defence tilt to the Indo-Pacific October.
- Cleverly, J. (2022), Speech: Indo-Pacific tilt: Foreign Secretary's speech, September 2022, Available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/foreign-secretary-james-cleverlys-speech-on-the-indo-pacific-tilt-september-2022>, (Accessed on: 3 October 2022).
- Dixon, M. (2021), The British 'tilt' to the Indo-Pacific and its ramifications for the South China Sea, *The London School of Economics and Political science*, <https://blogs.lse.ac.uk/cff/2021/07/28/the-british-tilt-to-the-indo-pacific-and-its-ramifications-for-the-south-china-sea>, (Accessed on: 13 October 2022).
- EEAS (2019). The European Union and ASEAN A Strategic Partnership, European Union External Action, Available at: https://www.eeas.europa.eu/asean/european-union-and-asean_en?s=47#:~:text=The%20EU%20and%20the%20Association,as%20free%20and%20fair%20trade, (Accessed on: 29 September 2022).
- EU (2016). Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe a global Strategy for the European Union's Foreign and Security Policy, *European Union External Action (EEAS)*, Available at: https://www.eeas.europa.eu/eeas/global-strategy-european-unions-foreign-and-security-policy_en, (Accessed on: 5 October 2022).
- GIGA (2022). Franco-German Observatory of the Indo-Pacific, German Institute for Global and Area Studies | Leibniz-Institut für Globale und Regionale Studien, Available at: <https://www.giga-hamburg.de/en/events/conferences-and-workshops/franco-german-observatory-of-the-indo-pacific>, (Accessed on: 18 October 2022).
- Heiduk, F., & Wacker, G. (2020). From Asia-Pacific to Indo-Pacific: significance, implementation and challenges. *German Institute for International and Security Affairs (SWP)*, Available at: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/from-asia-pacific-to-indo-pacific/>, (Accessed on: 7 October 2022).

- Hemmings, J. (2021). What the UK's tilt to the Indo-Pacific means for India. Available at: <https://www.orfonline.org/expert-speak/what-the-uks-tilt-to-the-indo-pacific-means-for-india/>,
- HM Government (2021), Global Britain in a competitive age The Integrated Review of Security, Defence,
- House of Commons (2019). Building Bridges: Reawakening UK-India ties Eighteenth Report of Session 2017-19, *House of Commons Foreign Affairs Committee*, Available at: <https://www.publicinformationonline.com/shop/204920>, (Accessed on: 11 October 2022).
- Johnson, B. (2020). Prime Minister's Statement to the House of Commons. Available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/prime-ministers-statement-to-the-house-of-commons-16-june-2020>, (Accessed on: 21 November 2022).
- Khan, M. O., & Khan, M. A. (2021). Economic impact of UK joining Asia Pacific Trade pact CPTPP: A Global CGE Approach. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3790232, (Accessed on: 19 November 2022).
- Leoni, Z. (2022). The End of the "Golden Era"? The Conundrum of Britain's China Policy Amidst Sino-American Relations. *Journal of Current Chinese Affairs*, Vol. 51, No. 2, PP 313-326.
- Manila, E. (2021). UK becomes ASEAN Dialogue Partner. Available at: <https://www.gov.uk/government/news/uk-becomes-aseandialogue-partner>, (Accessed on: 19 November 2022).
- Mathur, G. N. (2022). Return of the Old Giant to Indo-Pacific. *Journal of Defence Studies*, Vol. 16, No. 2, PP 93-99.
- Morrison MP, S. (2021). Australia to pursue nuclear-powered submarines through new trilateral enhanced security partnership. Available at: <https://www.pm.gov.au/media/australia-pursue-nuclear-powered-submarines-through-new-trilateral-enhanced-security>, (Accessed on: 2 October 2022).
- Noburu, O. (Jun 22, 2021). Japan and "Global Britain": Expanding the Trans-Pacific Partnership. Available at: <https://www.nippon.com/en/authordata/okabe-noburu>, (Accessed on: 12 October 2022).
- Pankaj, E. (2022). Part I: 'Global Britain' and the Indo-Pacific in 2022. SOAS China Institute, Available at: <https://blogs.soas.ac.uk/china-institute/2022/02/09/part-i-global-britain-and-the-indo-pacific-in-2022/>, (Accessed on: 10 October 2022).
- Pant, H. V., & Milford, T. (2021). The UK Shifts to the Indo-Pacific: An Opportunity for India-UK Ties. *Observer Research Foundation (ORF)*, Issue Brief, No. 444, Available at: <https://www.orfonline.org/research/the-uk-shifts-to-the-indo-pacific-an-opportunity-for-india-uk-ties/>, (Accessed on: 8 September 2022).
- Partington, R. (2021). China replaces Germany as UK's biggest import market. <https://www.theguardian.com/business/2021/may/25/uk-trade-with-eu->

- [falls-by-23-in-first-quarter-as-brex-it-and-covid-hit](#). (Accessed on: 2 October 2022).
- Parton, Charles (2022). Addressing Britain's China challenge, *council on Geostrategy*, Available at: <https://www.geostrategy.org.uk/britains-world/addressing-britains-china-challenge>, (Accessed on: 30 September 2022).
- Patalano, A. (2021). UK Defence from the 'Far East' to the 'Indo-Pacific'. *Policy Exchange*, July, 24.
- Roy-Chaudhury, R. (2021). Understanding the UK's 'Tilt' Towards the Indo-Pacific. *The Wire*.
- Statista (2018), Global Oil Shipments Depend On Major Chokepoints, Available at: <https://www.statista.com/chart/18109/seaborne-oil-transiting-possible-chokepoints>, (Accessed on: 9 September 2022).
- Storey, I., & Thi Ha, H. (2021). 'Global Britain' and Southeast Asia: Progress and Prospects. *ISEAS Yusof Ishak Institute*, Perspective, No. 130.
- The White House (2022). Indo-Pacific Strategy of The United States, Washington: The White House. Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2022/02/11/fact-sheet-indo-pacific-strategy-of-the-united-states/>, (Accessed on: 4 September 2022).
- Umio, O. (2021). From Japan: A View of 'Global Britain' and the UK Integrated Review, Available at: <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/japan-view-global-britain-and-uk-integrated-review>, (Accessed on: 24 September 2022).
- UN (2022). United Kingdom Total of all HS commodities, *UN Comtrade Database*, Available at: <https://comtrade.un.org/data>, (Accessed on: 26 October 2022).
- von Busch, O., & Palmås, K. (2021). Global Britain in a Competitive Age: The Integrated Review of Security, Defence, Development and Foreign Policy, Policy Paper, Available at: <https://www.gov.uk/government/publications/global-britain-in-a-competitive-age-the-integrated-review-of-security-defence-development-and-foreign-policy>, (Accessed on: 2 October 2022)
- Watkins, P. and Jessett CBE, W. (2021). What the US can learn from the UK about strategic reviews, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/what-the-us-can-learn-from-the-uk-about-strategic-reviews>, (Accessed on: 28 October 2022).
- Whitehouse, (2022). Joint Statement on U.S.-UK Consultations on the Indo-Pacific. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2022/03/11/joint-statement-on-u-s-uk-consultations-on-the-indo-pacific>. (Accessed on: 20 October 2022).